

تحلیلی تاریخی بر عناصر و ساختار کالبدی فضایی شهرهای ایرانی - اسلامی

* مسعود صفایی پور
** جعفر سعیدی

چکیده

در سیر تاریخی اسلام‌گرایی، شهرهای بزرگی شکل گرفتند که در کنار آن‌ها شمار شهرهای کوچک و متوسط نیز افزایش یافت که در عین همسانی با سایر شهرها، ویژگی‌های منحصربه‌فردی را از لحاظ کالبدی نمایان کردند. ساخت، بافت و بناهای شهری؛ همچون: مسجد، بازار، مدرسه، کاروان‌سرا، سقاخانه، در شهر اسلامی هر کدام نمادی از مفاهیم، ارزش‌ها و تجلی بسیاری از مفاهیم اسلامی می‌باشند. تحقیق حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی در قالب مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، ضمن اشاره به ویژگی‌ها و ساخت کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی، به بررسی و تحلیل عوامل ایجاد و تکوین شهرهای ایرانی اسلامی در ابعاد کالبدی فضایی می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عناصر کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی به لحاظ تاریخی، به ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی که ریشه در احکام اسلامی داشته است، بستگی دارند؛ به طوری که این عناصر، ساختار کالبدی و جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده است.

کلیدواژه‌ها

ساختار فضایی کالبدی، شهر ایرانی - اسلامی، مسجد، بازار، احکام اسلامی.

مقدمه

شهر اسلامی نخستین بار در ربع اول قرن بیستم به یک موضوع جدی تحقیقی تبدیل شد. پس از آن، مطالعات و پژوهش‌های متعددی صورت گرفت و مقالاتی در این زمینه انتشار یافت. در اواخر دهه ۱۹۶۰ مشخص شد، رهیافت‌ها و روش‌شناسی‌های متفاوت این مطالعه، را می‌توان ذیل وجود الگویی تحت عنوان شهر اسلامی جمع‌بندی کرد (دانش، ۱۳۸۹: ۱۶). در پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه شهرسازی اسلامی، نگرش‌های شکلی و کالبدی بیش از نگرش‌های ماهیتی بوده است. خاورشناسان برگرفته از اندیشه‌های نویسندگان مسلمان سده‌های میانه، شهر را جایی شناسایی کرده‌اند که دارای «مسجد جامع، بازار و گرمابه همگانی» باشد. الگوی همه شهرهای اسلامی خاورمیانه نیز، دارای ویژگی‌های شکلی و کالبدی ویژه‌ای دانسته شده است (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۷۰). قالب و محتوای شهرهای اسلامی بر سه محور مهم؛ یعنی محلی برای سکونت، مکانی برای عبادت و در نهایت فضایی برای تجارت شکل گرفته است (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸). در این میان، شهرهای ایرانی - اسلامی در ساختار خود دارای عناصر گوناگونی هستند که هرچند کالبد شهر را شکل می‌دهند، اما در ورای آن با تکرار نقش آفرینی در زندگی روزمره ساکنان و نقش آفرینی در حافظه جمعی بلندمدت آنان، به عناصری هویت‌بخش تبدیل می‌شوند که تغییر و تحول در این ساختارها می‌تواند تغییرات اساسی را در بنیان‌های هویتی شهر ایجاد نمایند (کلاتری خلیل‌آباد و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴۰). در این شهرها، فضاها به گونه‌ای استقرار یافته بودند که هیچ‌یک از نیازها و موقعیت‌ها نقش اخلاقی، معنوی و الهی را خدشه‌دار نمی‌ساختند و روابط بنیادی در شهر به گونه‌ای بود که انسانیت و معنویت را در میان ساکنان آن به وجود می‌آورد و هرگونه تبعیض فضایی، اقلیمی که با روح عدالت و تقسیم منابع و امکانات مغایرت داشت، از بین می‌رفت (غنی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۲). در نهایت، تجلی همه صفات شهر اسلامی (از دیدگاه تعالیم اسلام) در درون و سیمای شهر، چهره‌ای از آرمان‌شهر اسلامی را در ذهن متبادر می‌سازد (رفیقدوست و شهبان، ۱۳۸۷: ۱۵۵). این مقاله به‌طور کلی، درصدد آن است تا با شناخت عناصر اصلی شهر کهن ایرانی - اسلامی به ارزیابی کیفی عناصر کالبدی فضایی پردازد؛ بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، بازشناسی تاریخی هویت و عناصر کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی است.

بیان مسأله

اصطلاح شهرهای اسلامی برای عموم پژوهش‌گران مسلمان، بیانگر هویت ویژه فرهنگی، فضایی و تاریخی خاصی است که محیط شهری خود را از غیر آن جدا می‌کند. هر یک از محققین برای نشان‌دادن این تمایز به دنبال شناخت ابعادی بوده‌اند تا با آن‌ها شهر اسلامی را به‌عنوان پدیده‌ای منحصر به فرد و دارای هویت معرفی نمایند؛ گاه با مسائل کالبدی، گاه با مسائل انسانی و اجتماعی و گاه با شناخت ماهیت و چیستی شهر اسلامی (موحد و همکاران: ۱۳۹۱: ۳۸). در شهرهای ایرانی - اسلامی فرم، به تبع معنا تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوی اخذ می‌کند و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر معماری ایرانی - اسلامی است که نسبت قالب و محتوی همچون نسبت روح و کالبد در بنیادهای جهان‌بینی آن نیز آشکار است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۸). آنچه در منابع به‌عنوان هویت کالبدی و بافت و ساخت شهری در عصر حاضر یاد می‌شود، در واقع، نوعی بی‌هویتی کالبدی و بحران هویت در محیط کالبدی شهر ایرانی است که اکنون، فاقد نامی برازنده برای آن است. حال سؤال این است که عناصر ساختار فضایی کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی در دوره‌های تاریخی کدامند و این عناصر در گذر زمان چه تغییراتی یافته‌اند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

اگر ویژگی کالبدی شهر اسلامی و کارکرد عناصر آن را تبلور بصری ماهیت اسلامی آن بدانیم، آن وقت لزوم توجه به نقش و کارکرد عناصر کالبدی برای برجسته‌تر شدن آن هویت، بیش از پیش ضرورت می‌یابد. در صورت بی‌توجهی به آن‌ها، هویت اسلامی و تاریخی آن‌ها کم‌کم رنگ می‌بازند و عناصری جانشین می‌شوند که رنگ و بوی بومی ندارند و کارکردهای قبلی خود را از دست می‌دهند (شکویی، ۱۳۸۰: ۱۸۵؛ موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸). نمونه بارز چنین تحولی را می‌توان در تغییر در میزان تأثیرگذاری نقش مسجد در ایفای نقش هویت شهر اسلامی دانست. مساجد جامع تا گذشته‌ای نه‌چندان دور، نقش مرکزی داشته‌اند و این نقش کانونی، همواره منشأ تحرکات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهری بوده‌اند. رویکرد این مقاله بر تحلیل عناصر کالبدی فضایی شهر ایرانی - اسلامی متمرکز است و سعی دارد تا با

مشخصه‌های فیزیکی به بررسی هویت کالبدی شهر اسلامی پردازد. آنچه در شهرهای اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است وجود عناصری مانند (اماکن مذهبی، قصر، دارالاماره، بازار، حمام عمومی و میدان و مانند آن) است.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر با رویکردی تاریخی، از روش توصیفی-تحلیلی در قالب مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای، استفاده شده است. همچنین تلاش می‌شود اصول و ارزش‌های کلی مطرح شده در شهرهای ایرانی - اسلامی در بعد کالبدی فضایی بررسی گردد.

پیشینه تحقیق

در این بخش، به تعدادی از مطالعاتی که متناسب با موضوع تحقیق است، اشاره می‌شود. کریمی (۱۹۹۷)، در تحقیقی با عنوان «منطق فضایی شهرهای ارگانیکی در ایران و انگلستان»، با مطالعه ساختار شش شهر ایرانی به بررسی رابطه عناصر اصلی با ساختار کلی شهر پرداخته است. نتایج، نشان می‌دهد که رابطه و منطق فضایی توزیع عناصر اصلی شهرها نظیر بازار، میادین، کاروان‌سراها و مسجد جامع با کلیت شهر، منطق فضایی با نحوه استفاده مردم از فضا، عملکردهای اجتماعی - اقتصادی آن و الگوی دسترسی‌ها در ارتباط مستقیم است. بنابراین، تحلیل ساختار کالبدی - فضایی شهر اسلامی، متأثر از ساخت کالبدی و منطق فضایی عناصر آن بر اساس قوانین شریعت اسلامی، نیاز اجتماعی و کارکرد اقتصادی است.

اعظم (۲۰۰۷)، در مطالعه‌ای با عنوان «منطق اجتماعی مسجد؛ مطالعه روابط بین ساختمان و مورفولوژی شهری»، با بررسی ساختار کالبدی - فضایی تعداد نه شهر اسلامی به تحلیل رابط گونه‌شناسی معماری مسجد جامع با مورفولوژی شهر پرداخته است. یافته‌ها، نشان می‌دهد که چیدمان فضایی عنصر مسجد جامع در ارتباط مستقیم با ساختار و استخوان‌بندی اصلی شهر قرار دارد.

دانش (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای به بررسی «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی

شهر اسلامی» پرداخته است. در این تحقیق، پیشینه تاریخی شهرهای اسلامی، خصوصیات کالبدی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این تحلیل، در تبیین مبانی انتظام و شکل‌گیری شهرهای اسلامی، با طرح بُعد معناگرا و عرفانی فرهنگ و هنر اسلامی در بنیاد و حیات کالبد شهری، اصول وحدت‌گرای فرهنگ دینی در انتظام هماهنگ، شهر اسلامی را مورد تأکید قرار داده است.

خدایی و تقوایی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی» به این نتیجه رسیدند که اصطلاح شهر اسلامی، بیانگر هویت ویژه فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص ساکنان آن است. فضای کالبدی بیشتر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که وجود روح مشترک و منتج از مکتب الهی را در آن‌ها تأیید می‌کند.

موحد و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای با عنوان «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهرری)»، به این نتیجه رسیدند که مشخصه‌های کالبدی شهر اسلامی در شهرری قابل‌بازشناسی هستند و شهرری در سرزمین ایران هویت یک شهر اسلامی را از نظر عناصر کالبدی داراست و کارکردهای لازم را ارائه می‌دهد.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

هویت کالبدی - فضایی شهر

مطالعه و تحلیل عناصر کالبدی اصلی که در ریخت یک شهر وجود دارد، امکان‌بازشناسی و تبیین نقش نیروهای اجتماعی در زندگی شهری و بروز تغییر در شکل شهرها را فراهم می‌نماید؛ که بر اساس آن، شناسایی و تبیین گرایش‌های اجتماعی - اقتصادی که در ایجاد تحول در جامعه شهری مؤثر واقع می‌شدند، امکان‌پذیر می‌گردد (یوسفی‌فر، ۱۳۸۵: ۳۲۱). بنابراین، بافت کالبدی و ساختار مکانی - فضایی شهرها، از مهم‌ترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می‌دهد؛ زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی شهری، متأثر از اندیشه‌ها، عقاید، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه می‌باشد. از این‌رو، شناخت این بخش از شهرها می‌تواند

به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بیانجامد. در این زمینه، شهر از منظر روند سامان‌یابی شکلی، در سه دوره مطالعه می‌شود: تکوین تاریخی شهر؛ الگویابی و شکل‌گیری کالبدی (دوره شکل‌گیری خیابان‌ها، راه‌ها و ظهور استخوان‌بندی شهر)؛ پیکربندی (ظاهر شدن مشخصات ریخت‌شناسی شهر، روشن شدن رابطه بین کارکرد با ریخت‌شناسی شهر)، (شکویی، ۱۳۸۰: ۲۶۴). بر این اساس، هدف طراحی شهری در نهایت نظم‌بخشیدن به ترکیب کالبدی - فضایی ساختار فضایی شهر است (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۳). از این‌رو، توسعه کالبدی و فضایی شهرها متأثر از فرآیندهای طبیعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی است که در طول تاریخ، مراحل گوناگونی را طی کرده است (امیدوار و هاتفی، ۱۳۹۱: ۶۴). مهم‌ترین ابعاد مورد توجه در هویت کالبدی فضایی به‌طور خلاصه در ذیل آورده شده است.

ابعاد هویت کالبدی فضایی شهرها	
✓	شکل‌گیری شهر (سابقه سکونت‌گزینی و پیدایش شهر) و سیر تحول آن در گذر زمان
✓	ویژگی‌ها و ساختار کالبدی شهر
✓	عناصر سازنده بافت کالبدی
✓	اماکن باستانی و قدیمی (آرامگاه‌ها، آتش‌گاه‌ها، امام‌زاده‌ها، مدارس، پل‌ها، گورستان‌ها، ساختمان‌ها، بناها و غیره)
✓	ویژگی‌های دسترسی (شبکه مواصلاتی و ارتباطی درون‌شهری و برون‌شهری)
✓	ویژگی‌های عملکردی عناصر و اجزاء سازنده بافت کالبدی شهر
✓	محلات قدیمی
✓	محورهای گردشگری و توریستی
✓	نماهای شهری، سبک و سیاق معماری و ساخت‌وسازهای شهری و غیره

منبع: (شهرداری مشهد، ۱۳۸۵)

نظریه تاریخی شهر

فوستل دو کولانژ^۱، پیشگام نظریه تاریخی شهر محسوب می‌شود. او نهاد حساس شهر را دین دانسته است. هسته اصلی اجتماعی پیش از شهرنشینی، خانواده بود که نقطه تمرکز و تجمع خود را در قلب نهاد دینی خود و ستایش پدر به‌عنوان کشیش می‌یافت و اتحاد چند خانواده، قلب یا هسته فراتری (قبیله) را تشکیل می‌داد. چند قبیله نیز مشروط بر اینکه دین هر یک محترم شمرده شود، با هم متحد می‌شدند و روزی که چنین اتحادی صورت گرفت، شهر به وجود آمد (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سنجردی، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۴۲). او از نظر تاریخی، استقرار شهر را در رابطه با نهادها و تأسیسات مذهبی - حقوقی می‌دانست و بر آن پای می‌فشرد و در شهر عتیق می‌کوشد تا نشان دهد که دعا و نیایش خاصه برای مردگان، اساس باورهای انسانی است و بنیاد خانواده به حساب می‌آید. بنابراین، به نظر او پیدایش صورت‌بندی‌های اجتماعی به نهاد مذهب مربوط می‌شود؛ امری که در بررسی‌های شهرهای یونان و رم به خوبی منعکس است. او برای نشان‌دادن پیدایش شهر و ارتباط آن با نهادهای مذهبی - حقوقی، تمامی اسناد و مدارک تاریخی در دسترس را به کار می‌برد تا شهرهای یونان و رم را در قالب نمونه‌های نظری^۲ بازسازی کند و سپس به مقایسه آن‌ها بپردازد.

نظریه مذهبی: گسترش معابد و عبادت‌گاه‌ها

بیشتر محققانی که درباره نقش مذهب در پیدایش شهرها به تحقیق پرداخته‌اند، در میان ادیان بیش از همه بر ارتباط دین اسلام با توسعه شهری تأکید می‌کنند. بسیاری از جغرافی‌دانان و تاریخ‌نگاران اسلامی مانند ابن‌خلدون، هنگام بحث درباره شهرنشینی، به تفاوت‌های دو سیستم فرهنگی قبل و بعد از اسلام اشاره می‌کنند:

(۱) سیستم فرهنگ بادیه‌نشینی - کوچ‌نشینی که قبل از اسلام در بیشتر نقاط عربستان دیده می‌شد؛

1. Fustel de Coulange

2. Idea type

۲) سیستم فرهنگ شهری که با ظهور اسلام در همه جا گسترش یافت (شکوئی، ۱۳۸۰: ۱۴۵). هنگام گذر از فرهنگ بادیه‌نشینی - کوچ‌نشینی، به فرهنگ شهری، ایجاد سازمان‌های اجتماعی ویژه‌ای ضرورت می‌یابد که فرهنگ اسلامی بیش از دیگر ادیان بر این سازمان اجتماعی تأکید می‌کند.

شهر اسلامی و شهرسازی اسلامی

شهرهای اسلامی، دوره‌ای مشخص و محدود یعنی چهارده قرن پیش تاکنون را در بر می‌گیرد که با کمال شگفتی بر پهنه‌ای بسیار وسیع گسترده شده و در سه گوشه جهان گسترش یافته است. این پهنه از اقیانوس اطلس تا دریای چین، از خلیج گینه تا آسیای مرکزی، از بالکان تا اندونزی و از شاخ آفریقا تا خلیج بنگال گسترده است (موسوی، ۱۳۸۸: ۴).

جغرافی دانان و خاورشناسان، به ویژه اسلام‌شناسان، نخستین گروه‌های علمی بودند که شهر اسلامی را مورد مطالعه قرار دادند؛ اما غالب کارهای علمی در این زمینه، اختصاص به شهرهای منطقه غربی خاورمیانه دارد و شهرهای واقع در ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان و آسیای میانه را کمتر مورد مطالعه خویش قرار داده‌اند و یا شهرهای آسیای جنوب شرقی را به بوته فراموشی سپرده‌اند. لذا در نشان‌دادن چهره واقعی شهرهای اسلامی کوتاهی شده است (شفقی، ۱۳۸۷: ۲۳۰). وقتی به یک شهر، صفت اسلامی داده شد که ساخته و پرداخته تفکرات و باورهای اوست. پس آن آثار مصنوع، بر پایه و اساس مکتب و تعالیم اسلامی پدید آمده است، اما گروهی از شهرشناسان به مخالفت چنین اندیشه‌ای برخاسته و وجه مشترک شهر اسلامی با سایر شهرهای حوزه فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌اند. این پیشامد را اغلب نویسندگان اسلامی، نتیجه استعمار غرب در سرزمین‌های اسلامی دانسته که با انقلاب صنعتی اروپا صورت پذیرفته و زندگی در شهرها را به سوی [بعد] مادی هدایت نموده است (اعتضادی، ۱۳۷۷: ۳۴). در حالی که تصویر جهان در شهر اسلامی، بر اساس پیوند و وحدت زندگی مادی و معنوی به رابطه جدانشدنی اقتصاد، سیاست و مذهب اشاره دارد و بر این اساس هویت ویژه خود را می‌سازد (مظاهری، ۱۳۴۸: ۲۴۲). مفهوم شهر اسلامی که شرق‌شناسان به کار برده‌اند، مبتنی بر این فرض است که چون اسلام یک نظام ارزشی کامل است و تمام الگوهای رفتاری و سازمان اجتماعی را تعیین می‌کند، پس ریخت‌شناسی

کالبدی سکونت‌گاه‌ها (شامل شهرها) نیز محصول ایمان اسلامی است و با درک درست از اسلام، می‌توان ساختار شهر اسلامی را هم فهمید (محمدی و شیخ بیگلو، ۱۳۸۷: ۳۸۰). اسلام با جهان‌بینی خود، علاوه بر تحول در ساخت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک، ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی را نیز متأثر کرده است (سلطانی‌فرد، ۱۳۹۲: ۱۵). به‌طور کلی، سه عنصر انسان، کالبد و رفتار، در ایجاد فضای کالبدی شهر دخیل می‌باشند؛ اما در شهر اسلامی سه عنصر «جهان‌بینی توحیدی، اخلاق و رفتار اسلامی، عمل و ارتباط اسلامی با عالم» در شکل‌گیری آن سهیم می‌باشند (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

شهرسازی مشتمل بر مبانی نظری تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و با سایر هم‌نوعان خویش (جامعه) حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند، نیز هستند (نقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۶). باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آن‌ها، قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ هستند.

بررسی و تحلیل

ویژگی‌ها و خصوصیات ساخت کالبدی شهرهای ایرانی اسلامی

خصوصیات کالبدی، نشانگر تأثیر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بر کالبد شهرهاست (موسوی، ۱۳۸۸: ۵). کالبد شهر که بر اساس خواست و طرح‌های مردم و معماران خلق می‌شود، ظرفیت قابل توجهی برای نمایاندن شخصیت اسلامی شهر داشته باشد. معماری منبعث از دوران اسلامی گذشته و مسجد و جلوه‌های خاص معمارانه آن، مهم‌ترین زمینه برای خلق فضای کالبدی منبعث از فرهنگ اسلامی در شهرهاست (همان: ۸). به‌طور کلی در اوایل گسترش اسلام، از همه عناصری که ساخت داخلی و مورفولوژیک شهرهای اسلامی را تشکیل می‌داد: سه عنصر مهم یعنی محل زندگی حاکمان، مساجد جامع با مناره‌ها و مأذنه‌ها و راسته‌بازارها بسیار چشمگیر بود (وارثی، ۱۳۸۷: ۴۷۷). شهرهای ایرانی نیز پس از اسلام، در ابتدا با همان شکل اولیه به حیات خویش ادامه دادند. کهندژ، ربض و شارستانی که در زمان ساسانیان در ساخت شهرها پدید آمد، در ابتدای ظهور اسلام نیز اجزای اصلی شهر بود اما به تدریج توسعه

شهرنشینی باعث گسترش حومه (ربض) در شهرها شد و از اهمیت بیشتری نسبت به شارستان برخوردار شد و از نظر شهری تکامل یافته و دارای فضاها و نمادهای شهری شد (کمیلی و خدایی، ۱۳۹۰: ۹۴۸). بازارها که در ابتدا در نزدیکی دروازه شهر بودند به تدریج تا مرکز شهر ادامه یافتند و در امتداد راه‌های اصلی امتداد پیدا کردند و هر قسمت به فضایی برای عرضه یا تولید کالایی خاص اختصاص یافت و کاروان‌سراها و انبارهایی نیز برای جواب‌گویی به نیازهای جدید ایجاد شد. مساجد و به‌ویژه مسجد جامع، مرتبط با بازار از نظر فضا و در نزدیکی ارگ و یا در ربض ساخته شد. از بازارها که ستون فقرات شهر بودند، کوچه‌های ثانوی جدا شدند.

ریخت‌شناسی^۱ شهرهای اسلامی

برادری و برابری و تحرک عمودی و افقی در هر بخش از زندگی، باعث تحرک و پویایی جامعه شهری و همیاری مردم در جامعه اسلامی شده است. از طرفی اسلام، همواره برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش‌های آن اهمیت قائل بوده است؛ از این رو، این دستورات و قوانین، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شهری و ساخت شهرهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و به ریخت‌شناسی شهرهای اسلامی هویت ویژه‌ای بخشیده است که با شهرهای نواحی دیگر دنیا متفاوت است (شکوئی، ۱۳۸۰: ۱۸۷). در ساخت مورفولوژیک شهرهای اسلامی، عوامل زیر دخالت داشته است:

(۱) عوامل مذهبی؛ (۲) عوامل اقلیمی؛ (۳) عوامل اقتصادی؛ (۴) عوامل ارتباطی؛ (۵) عوامل دولتی و نظامی؛ (۶) عوامل بهداشتی؛ (۷) عامل وقف.

عده‌ای از محققان، عوامل مؤثر در ریخت‌شناسی شهرهای اسلامی را این‌چنین ذکر می‌کنند؛
 ۱. بیشتر شهرهای اسلامی با دیوارهایی احاطه می‌شد و شهر دارای چند دروازه بود. ۲. حوزه اداری شهر در بخش مرکزی شهر و در مجاورت مسجد جامع به وجود می‌آمد. ۳. بازارها در شکل خطی و در طول راه‌های اصلی به وجود می‌آمد. ۴. در همه شهرهای اسلامی با الهام از ایدئولوژی اسلامی، همواره یک جدایی چشمگیر بین بخش خصوصی و عمومی وجود داشته است (همان: ۱۸۹).

1. Morphology

ریخت‌شناسی شهرهای ایران قبل از اسلام

شهرهای ایران تا قبل از ظهور اسلام، از سه بخش اصلی؛ یعنی شارستان یا شهرستان، کهندژ یا ارگ و پروست یا بخش بیرونی تشکیل می‌شدند. اجزاء تشکیل‌دهنده هر یک از بخش‌های سه‌گانه مزبور را می‌توان به شرح زیر در (جدول شماره ۱)، ارائه کرد.

جدول شماره ۱) استخوان‌بندی شهرهای ایران قبل از اسلام

شارستان یا شهرستان	گذرهای اصلی	که دروازه‌های شهر را به یکدیگر و به عناصر اصلی شهر مانند: بازار، ارگ و مانند آن متصل می‌کرد.
	باغات و فضاهای سبز	محل زندگی بزرگان و اعیان، مرکز عمومی
	شارستان	مجموعه‌ای از فضاها و بناهای خدماتی، تجاری و مذهبی برای عموم شهروندان
	مفصل‌های ارتباطی	که در تقاطع گذرها ایجاد شده و تقسیمات شهری و محلات را نیز مشخص کرد.
	محلات مسکونی	محل زندگی عموم مردم
	کهندژ یا ارگ	مقر حکومتی بوده و معمولاً معبد، آتشکده و تالارهای پذیرایی نیز در آن قرار می‌گرفت. ارگ؛ که به قصبه مشهور است، نماد حاکمیت بوده است.
پروست (بخش بیرونی)	جاده ارتباطی	برای ایجاد ارتباط بین شهر با دیگر آبادی‌ها و ولایات
	مزارع و باغات	برای تأمین محصولات کشاورزی شهر
	مکان مقدس	که آتشکده یا مقبره یکی از بزرگان قوم یا مقدسین بوده و این مکان، معرف شهر و هویت آن نیز بوده است.
	قبرستان	محل دفن مردم عادی
	محل تجمع کاروانی‌ها	بارانداز (میدان) در پشت حصار برای استراحت کاروانی‌ها وجود داشته که تجار، معاملات خود را قبل از ورود کالا به شهر انجام می‌داده‌اند.

منبع: نگارندگان)

بنابراین، به نظر می‌رسد که با توجه به عناصر حفاظتی و تدافعی شهرها مانند: خندق، حصار، دروازه‌ها و درب‌های آن‌ها و عناصر مشابه، عمده‌ترین فضای فکری حاکم بر بافت و ساختار فضایی شهرهای قبل از اسلام، موضوع امنیت و حفظ آن بود.

ریخت‌شناسی کلی شهرهای ایران پس از ظهور اسلام

توسعه شهرهای این دوره بر پایه زیرساخت‌های شهرهای قبل از اسلام ادامه یافته و همواره سه بخش اصلی به صورتی کاملاً مشخص در شهرهای ایران وجود داشته است که بعد از اسلام حفظ شده‌اند؛ با این تفاوت که با نوعی معنویت گره خورد؛ به طوری که مسجد آدینه به صورت یکی از ارکان اصلی زندگی شهری و یکی از نشانه‌های مشخص کننده شهر شد (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). به طور کلی، شهرهای پس از ورود اسلام به ایران با اجزای سه گانه و مهم ارگ، مسجد جامع و بازار به همراه محله‌های مسکونی، کاروان‌سراها، شبکه معابر ارتباطی و سایر فضاها و عناصر شهری همه با نظم و دقتی حساب شده در بافت شهر جای گرفته و مجموعه‌های کاملی را پدید آورده بودند. بازارها، دارای آن‌چنان اجزای حساب شده و منطقه نفوذ شهرها بودند که امروزه نیز در پاره‌ای موارد به حیات خود ادامه می‌دهند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹-۵۰). محله‌های مسکونی با ویژگی‌های فرهنگی و کالبدی خاص شهرسازان جدید را وا داشته‌اند تا به روابط همسایگی، جمعیت و ویژگی‌های دیگر در برنامه‌ریزی‌های شهری امروزی توجه کنند و سعی کنند تا ویژگی‌های قبلی و حیات دیروزی محله‌ها را شامل شبکه‌های ارتباطی، سلسه‌مراتب حساب شده‌ای که تحت تأثیر عوامل دفاعی، اجتماعی، طبیعی، اقلیمی، فرهنگی و زیبایی در معماری شکل گرفته بودند، بازگردانند. در شهر ایرانی - اسلامی هر چه هست، تبلوری از محیط‌زیست، فرهنگ و آداب و سنن است.

توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی قبل از مدرنیسم

ساخت هر شهر از یک سو، نمایان‌گر هماهنگی فضایی کالبدی شهر با شرایط و عوامل زمان و از سوی دیگر، گویای چگونگی جریان فعالیت‌های اصلی شهر است. شهرسازی قبل از ۱۳۰۰ در ایران حاوی نشانه‌هایی بود که گویای نمونه‌های ویژه شهر سنتی خاورمیانه

به شمار می‌رفت (پوراحمد و یزدانی، ۱۳۸۴: ۳۰). معماری رایج و شهرسازی وابسته به آن، تابعی بود از انواع مصالح ساختمانی، دانش فنی و اعتقادات و باورهای دینی و در مناطق مختلف متناسب با آنچه طبیعت از انواع مصالح ساختمانی مانند: سنگ، چوب و گِل در اختیار انسان می‌گذاشت و از آن‌ها استفاده می‌کرد. رعایت و تأکید بر انواع جدایی‌گزینی‌ها در ادوار مختلف از ویژگی‌های کلی شهرسازی بوده که در شکل‌گیری شهرها نقش داشته است.

شهرهای ایرانی - اسلامی بعد از مدرنیسم

شروع تحولات در روند شهر و شهرسازی در ایران را شاید بتوان از دوره مشروطیت دانست. البته پیش از آن - در زمان قاجار و یا حتی صفویه - می‌توان شاهد تأثیرپذیری و الگوبرداری‌هایی بود. اما آغاز دگرگونی‌های شدید و تأثیرپذیری از رشد سرمایه‌داری را می‌توان از اوایل حکومت پهلوی دانست. از دهه ۱۳۰۰ به بعد، در شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشم‌گیری رخ داد. همه این تغییرات در رابطه با ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه و قرارگرفتن ایران در سیستم سرمایه‌داری جهانی قابل بررسی است. خیابان‌های بسیاری بنابر خواست‌های بورژوازی در حال رشد، ایجاد شد. بدین ترتیب ساخت شهرها نیز دگرگون شد. کانون‌های شهری مانند: تهران، تبریز و اصفهان بر اثر رشد نامتعادل شهری از ۱۳۰۴ به بعد، شاهد گسترش بی‌سابقه‌ای شدند. شریان‌های اصلی آمدو شد به‌عنوان محور احداث شبکه‌های منظم خیابانی با جهت شرقی - غربی و شمالی - جنوبی مطرح شدند که غالباً از وسط حوزه‌های مسکونی می‌گذشتند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۱). در این دوره، شهرهای ایرانی - اسلامی به‌لحاظ کالبدی سه بخش مجزا از هم را شکل دادند: ۱) بخش متحول‌شده سنتی؛ ۲) محله‌های جدید برنامه‌ریزی‌شده؛ ۳) محله‌های حاشیه‌نشین. محله‌های جدید، مطابق با اصول و قواعد ساخت‌وساز برنامه‌ریزی شدند و تحت نظارت دولت اداره شهرداری و سازمان‌های مربوطه به وجود آمدند. این محلات جدید از اصول شهرسازی معاصر و مدرن متأثر بودند. در این محلات، اصول شهرسازی ایرانی - اسلامی رنگ‌باخته، الگوهای جدیدی به تقلید از شهرسازی مدرن غرب جایگزین آن‌ها شد.

عناصر اصلی شهرهای ایرانی - اسلامی

در گذشته، ویژگی‌های محیط طبیعی و ایدئولوژی حاکم؛ از جمله اعتقادات مذهبی در شکل‌گیری ساخت، بافت و سیمای شهری نقش به‌سزایی داشته است. از این منظر است که شهر درگیر روند اجتماعی مردمی است که آن را تشکیل می‌دهند و در واقع، محصول طبیعت و به‌ویژه طبیعت بشر است (کلاتری خلیل‌آباد و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴۰). با توجه به خصایص فرهنگی هر منطقه، شهرها نیز بر اساس آن ایدئولوژی‌ها، ویژگی‌های ظاهری و باطنی مخصوصی به خود می‌گیرند. از این منظر، خصایص شهر اسلامی در سه قلمرو اقتصادی، کالبدی و اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند که برخی از این خصایص دارای تبلور ظاهری همچون بازار، ارگ و قلعه هستند و برخی دیگر نیز به شکل سازمان‌های اجتماعی مانند: اصناف، اتحاد محله‌ای، جدایی‌گزینی مذهبی و قومی ظاهر می‌شوند. در (جدول شماره ۲)، به تعدادی از شاخص‌های شهر اسلامی اشاره می‌شود.

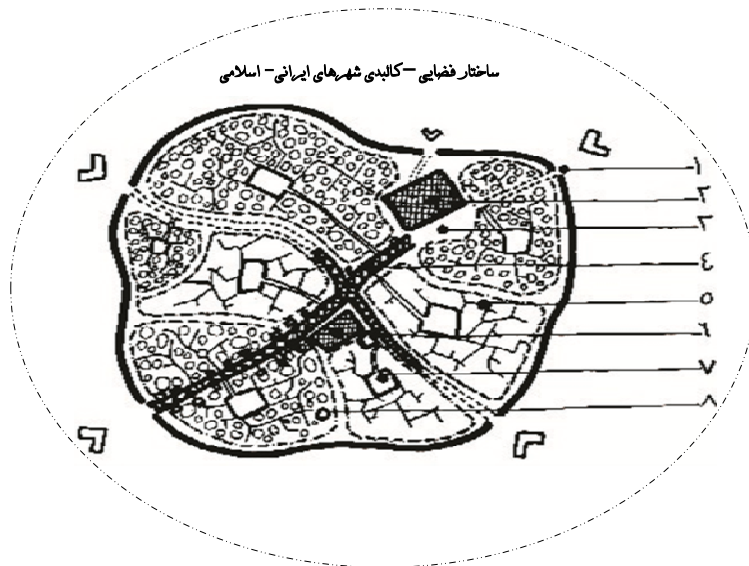
جدول شماره ۲) شاخص‌های شهر اسلامی

شاخص‌های شهر اسلامی
• پاسخ‌گوبودن بزرگی منزل به نیازهای افراد خانواده
• محوریت نقش مسجد در شهر یا محله
• سادگی مساجد
• وجود فضاهای عمومی هدف‌مند
• سلسله‌مراتب دسترسی‌ها
• وجود آرامستان در بافت درونی محلات مسکونی
• تعادل‌بخشی به عملکردهای مادی و معنوی در شهر
• کالبد متعادل و هماهنگ شهر

منبع: (امیری و قنبری، ۱۳۹۳: ۹)

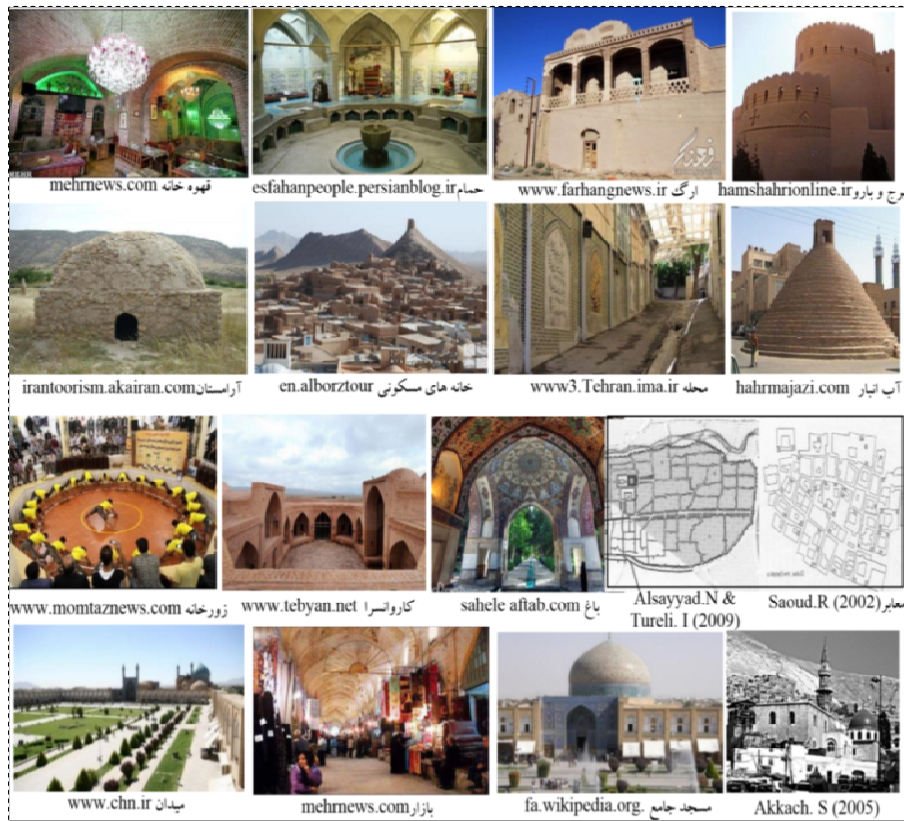
عناصر و اجزایی که در شهرهای کهن ایرانی - اسلامی وجود داشتند، دارای نوعی ارتباط متقابل، فضای یکپارچه و بهم پیوسته بوده‌اند. در این شهرها، فضاها ضمن آنکه هر کدام جا، مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله مراتب فضاها شهری حفظ کرده و به ایفای نقش خود می‌پردازند، با هم مجموعه‌ای واحد را پدید می‌آورند که شهر را از نظر فضا، واحدی منسجم و بهم پیوسته نشان می‌دهد. عناصر و ساختار فضایی شهر ایرانی - اسلامی در (شکل ۱)، نشان داده شده است. این عناصر عبارتند از: ۱. دروازه و بارو ۲. ارگ ۳. میدان ۴. بازار ۵. محله مسکونی ۶. مسجد جامع ۷. مرکز محله و ۸. واحدهای مسکونی؛ که در نوع خود، گویای شهرسازی برگرفته از اندیشه‌های اعتقادی و بومی است.

شکل ۱) ساختار فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی



منبع: (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵)

شکل ۲) معرفی عناصر کالبدی فضایی شهر ایرانی - اسلامی



منبع: (www.icas.ir)

عملکرد مسجد در سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر ایرانی - اسلامی

مسجد در صدر اسلام، به‌عنوان اولین و با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی دارای وظایف و کارکردهای گوناگونی بود؛ به‌گونه‌ای که افزون بر مهم‌ترین کارکرد آن - عبادت - فعالیت‌های آموزشی، نظامی و سیاسی نیز در آن جریان داشت (هلین براند، ۱۳۸۰). موقعیت و جایگاه مسجد در شهر اسلامی به‌گونه‌ای است که جزو اولین بناهای طراحی شده در شهر اسلامی می‌باشد. مسجدی که به دست پیامبر ﷺ در مدینه ساخته شد، به‌عنوان نخستین الگوی ساخت مسجد مورد توجه مسلمانان واقع گردید. مکانی که در ابتدا، مرکز عبادت،

سیاست، قضا و آموزش بود؛ اما با گسترش اسلام و فعالیت‌های مسلمانان، عملکردهای سیاسی، قضایی، آموزشی و غیره از مسجد جدا شده و هر کدام مکان خاصی را به خود اختصاص دادند؛ اما ارتباط خود را با مسجد حفظ نمودند (امینی و منتظرالقائم، ۱۳۸۷: ۶۶). لذا در قرون نخستین اسلامی، بسیاری از مساجد منطبق با سنت نبوی ساخته شدند که از آن جمله می‌توان به مساجد بصره، کوفه، بغداد، واسط، فسطاط، قیروان، سامرا و غیره اشاره کرد. در شهرهای ایرانی - اسلامی مساجد کارکردهای متفاوتی داشته‌اند که در توسعه و بسط این بنا و حفظ این سنت اسلامی نقش مؤثری داشته است که در ذیل مواردی از آن‌ها ذکر می‌شود:

• کارکرد عبادی

اصلی‌ترین کارکرد مسجد، رویکرد عبادی آن است. نماز برترین و مهم‌ترین وظیفه دینی است؛ لذا در اسلام، ادای این فریضه در مسجد و به صورت جماعت بسیار سفارش شده است. جدای از این، آیین‌های عبادی دیگر مانند: برگزاری مجالس، خواندن دعا، انجام نذورات، مراسم احیا و مانند آن در مسجد انجام می‌گیرد.

• کارکرد آموزشی

مسجد، از همان ابتدای اسلام دارای کارکرد آموزشی و تربیتی بوده است. از منظر تاریخی، شاخه‌های مختلف علوم دینی مانند فقه، کلام در مسجد آموزش داده شده است. مساجد، همواره دارای کتابخانه بوده‌اند که بیانگر ارتباط مشخص مسجد با این رویکرد آموزشی می‌باشد. علاوه بر جنبه آموزشی، کارکرد تربیتی مسجد نیز نشان می‌دهد که این مکان مقدس همواره کانونی برای تعالی انسان و رشد اخلاقیات انسانی و اسلامی بوده است.

• کارکرد اجتماعی

مساجد، دارای کارکردهای اجتماعی متعددی بوده‌اند؛ از جمله: گردآوری کمک برای مستمندان، برگزاری مراسم ترحیم مردگان، برگزاری گردهمایی‌ها، اقامت موقت در راه‌ماندگان.

• کارکرد سیاسی

در طول تاریخ، مساجد به عنوان یکی از کانون‌های مهم در شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی و اجتماعی شناخته شدند.

● کارکرد معماری و نقش آفرینی در فضای کالبدی شهری

وجه دیگر کارکرد مسجد، توجه به فضای کالبدی شهری و کارکرد معماری آن است. معماری مسجد، یک معماری پر رمز و راز و در یک نگاه کلی، نماد اندیشه توحیدی و واسطه عالم علوی با عالم سفلی است (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۳).

● کارکرد اقتصادی

در قرون اولیه اسلامی، مساجد، محل نگهداری و توزیع بیت‌المال بودند و بسیاری از فقرا و افراد بی‌پناه که از موقعیت سیاسی برخوردار نبودند، در آنجا اسکان داده می‌شدند و این‌گونه، مساجد در رفع معضلات اقتصادی مسلمانان ایفای نقش می‌کردند. لذا مساجد همواره پاسخ‌گوی نیازهای غیرعبادی مسلمانان نیز بوده است و افراد مقروض در بسیاری از مواقع، مشکلات اقتصادی خود را در مساجد برطرف می‌کردند (امینی و منتظرالقائم: ۱۳۸۷).

● کارکرد فرهنگی و ارتباطاتی

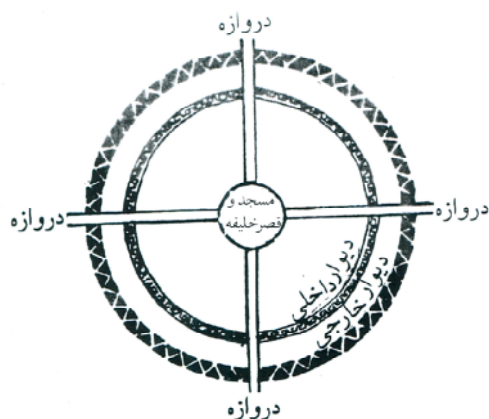
مسجد، اصلی‌ترین مکان شکل‌دهی افکار عمومی، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی است. حتی امروزه نیز با به وجود آمدن رسانه‌های متعدد، همچنان این کارکرد برقرار است. مسجد، می‌تواند با تجمع مسلمانان در یک مکان خاص، به برقراری و تعمیق روابط انسانی و دوستانه یاری رساند (قاسمی و قربانی، ۱۳۹۳: ۳۱۴).

● کارکرد قضایی و حقوقی

قضاوت و برقراری عدالت - به نحوی - کارکرد اجتماعی مسجد را تداعی می‌کند. بین مسجد و قضا، سابقه طولانی وجود دارد. در عهد رسول اکرم ﷺ مسجد، مکانی برای دادخواهی و دادرسی مردم بود و پس از آن، خلفا روزهای معینی از هفته را برای دادرسی و برگزاری دادگاه در نظر می‌گرفتند و رسم بر این بوده است که قاضی در مسجد بنشیند (امینی و منتظرالقائم، ۱۳۸۷: ۷۵).

بنابراین، در شهرهای ایرانی - اسلامی، مهم‌ترین عنصر اعتقادی در شهرسازی، مساجد هستند که بر حسب اهمیت و جامعیت، انواع مختلفی دارند. شهرهای اسلامی در آغاز نوعی ویژگی داشتند که وجه تمایز آن‌ها از روستاها به‌شمار می‌آمد و آن، داشتن مسجد جامع و منبر بود. هر شهری نیز باید تنها یک مسجد جامع می‌داشت که نماز جمعه در آن برقرار می‌گردید (میرمحمدی، ۱۳۷۵: ۱۷۹). (شکل شماره ۳)، جایگاه مسجد را در شهرهای اسلامی نشان می‌دهد.

شکل شماره ۳) جایگاه مسجد در شهرهای اسلامی

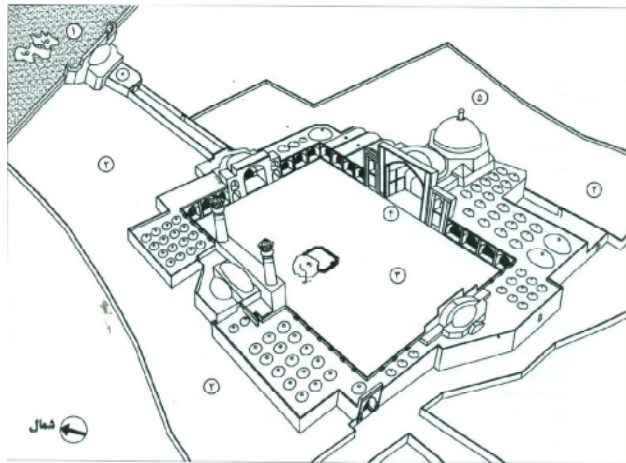


عملکرد بازارهای سنتی در سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر ایرانی - اسلامی

بازار، به مثابه عنصر و جزء اصلی شهرهای ایرانی اسلامی، از یک سو از شاخص‌های اعتبار شهر در دوران تاریخی بوده و از سوی دیگر، از مشخصه‌های شهر شرق اسلامی شمرده شده است. از این رو، در نظریه پردازی درباره شهرهای اسلامی، این عنصر مورد توجه خاص بوده است. بر اساس جمع‌بندی مدل‌های جغرافی دانان در مورد کارکردهای اصلی و ویژگی‌های اساسی شهر سنتی شرق اسلامی، بازار و سلسله‌مراتبی از بازار همراه با مسجد آدینه، به مثابه قلب و هسته اقتصادی شهر و وجود سلسله‌مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار از مشخصه‌های بارز و جدایی‌ناپذیر شهرهای اسلامی از جمله ایرانی بوده است (ایران‌دوست و بهمنی اورمانی، ۱۳۹۰: ۶). عنصر بازار، تنها وجه مشخصه اصلی و بهترین معیار اصالت شهرهای شرق اسلام است. بازارها به وسیله معابر اصلی به دروازه‌های شهر وصل شده و در فاصله بین دروازه‌های شهر و بازار، محلات مسکونی استقرار یافته‌اند. مجموعه بازار، همانند ستون فقراتی در درون بافت ارگانیک شهر ریشه دوانده است؛ ضمن اینکه انشعابات فرعی بازار در امتداد راسته‌های اصلی گسترده شده و تا دروازه‌های شهر رسیده است. بدین ترتیب بازار، نظام حیات شهری را تغذیه کرده و تداوم می‌بخشد (شفقی، ۱۳۸۰: ۷۵). از امتیازهای بازارهای اسلامی، تقسیم‌بندی بازار بر مبنای تخصص حرفه‌ای مانند

بازار کتاب‌فروشی‌ها، بازار کاغذفروشان، بازار صحاف‌ها و غیره بوده است (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۷: ۱۱۰). بازار، به‌منزله مرکز مهم اقتصادی شهر در کنار عناصر دیگری چون مساجد جامع، امامزاده، مدارس، کاخ‌ها یا مقر حکومتی و دروازه شهر در مرکز شهر یا ارتباط‌دهنده دروازه شهر با مرکز است (موحد، ۱۳۸۵). (شکل شماره ۴).

شکل شماره ۴) مسجد جامع عتیق شهر قزوین و اتصال آن به بازار و بافت شهر



منبع: (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

همچنین، بازار به‌عنوان یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده شهرهای ایرانی - اسلامی به‌واقع، جایگاه خوبی برای نشان‌دادن ابعاد مختلف سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی می‌باشد. این عنصر، از مهم‌ترین فضاهای ارتباطی و عمومی شهر به‌شمار می‌آید و بیش‌ترین رفت‌وآمد در آن صورت می‌گرفت. بسیاری دیگر از فضاهای عمومی شهر نیز در کنار راسته اصلی بازار یا با فاصله اندکی از آن ساخته می‌شد (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲). برای مثال، می‌توان به مسجد جامع اشاره کرد که به‌طور معمول در کنار بازار - مگر در موارد خاص - ساخته می‌شد.

مناطق مسکونی (خانه‌ها)

در شهرهای اسلامی، مناطق مسکونی به مجموعه‌ای از خانوارها گفته شده که

زندگی‌شان بر نزدیکی و صمیمیت استوار بوده است؛ امری که در پیونددهی شخصی، منافع مشترک و وحدت اخلاقی مشترک، متجلی بوده است. این مناطق مسکونی، عملاً مترکم بوده و هر کدام دارای عناصر تشکیل‌دهنده خاص خود بوده است. آن‌ها هر کدام دروازه‌های خودشان را داشته‌اند که معمولاً پس از آخرین عبادت در شب بسته و پیش از آغاز نخستین عبادت صبحگاهی، باز می‌شدند. مناطق مسکونی در الجزایر و تونس از چنین نمونه‌هایی بوده‌اند. این مناطق به لحاظ قومی سازمان‌یافته بوده‌اند. برخی مسلمانان نیز در مناطق مسکونی دیگر جمع شده و هر گروه باورهای فرهنگی خودش را پیاده می‌کرده و برای آن‌ها جشن می‌گرفته‌اند (محمدی و شیخ بیگلو، ۱۳۸۷: ۳۸۲). در این راستا، خانه شخصی، فضای داخلی بسته‌ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به‌شمار می‌آید. پنجره‌ها کمتر به خانه‌های مجاور و کوچه‌ها اشراف دارند؛ البته پنجره‌ها چنان مشبک تهیه گردیده‌اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله‌ای را نظاره‌گر باشند بدون اینکه خودشان دیده شوند (ضرابی و نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۲۰). تفکیک حریم خانوادگی از فضاهای دیگر به‌صورت اندرونی و بیرونی در ساخت خانه‌ها و جداسازی از طریق دیوار بلند و نصب درِ ورودی برای کنترل رفت‌وآمد به (شکل L) بوده و فضاهای اختصاصی و حیاط‌ها از موارد رعایت اصول معماری است. واحدهای مسکونی، اغلب دارای مدخل ورودی‌اند تا از دید جلوگیری کنند.

محله

اجزای اصلی تشکیل‌دهنده شهر مثل اصناف و محله‌ها به قسمت‌های مجزا تقسیم شده بودند و تابع هیچ سلسله‌مراتبی نبودند. محلات هم‌پای توسعه شهر، سازماندهی نشده بودند و همه آنها، ساختارهایی کاملاً مستقل را تشکیل می‌دادند (ریمون، ۱۳۷۰: ۱۳۴). درباره تداوم حیات و رونق اجتماعی - اقتصادی محله‌ها به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. در شهرهای سده‌های میانه، روند رشد و توسعه کالبد شهر به‌صورت تأسیس و برپاشدن محله‌ها و شهرک‌هایی در حومه شهر اصلی به‌صورت امری معمول درآمده بود.
۲. امور عمرانی این‌گونه محلات تابع الگوی عمرانی شهر اصلی بوده؛ از این‌رو، تحت تأثیر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر قرار داشتند.

۳. نکته مهم دیگر درباره ایجاد و احداث محله در شهرها و نیز توسعه بعدی کالبد آن، به اقامت افراد سرشناس و معتبر در آنجا باز می‌گشت؛ زیرا در صورتی که در محله تازه تأسیس، رجال صاحب‌نام و دارای قدرت و نفوذ اجتماعی - سیاسی و اقتصادی اسکان می‌گزیدند، بر اعتبار آن محله در شهر افزوده می‌شد. بر این اساس، بسیاری از مورخان در توضیحی که از محلات شهر مورد نظرشان ارائه می‌دهند، به ذکر نام و شرح احوال ساکنان معروف آن می‌پردازند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۳۹). در (جدول شماره ۳)، اجزای محله و عملکرد هر یک از این اجزا در شهرهای ایرانی - اسلامی ذکر شده است. این اجزا، معمولاً در تمامی محلات قدیمی شهرهای ایرانی - اسلامی مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۳) اجزای محله و عملکرد آن‌ها در شهرهای ایرانی - اسلامی

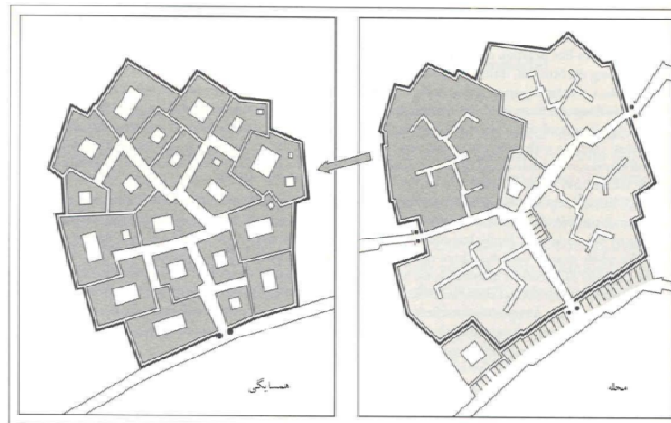
اجزای محله	توضیحات	عملکرد
مرکز محله	نقطه ثقل محله و شامل عناصر عمومی (بازارچه، مسجد، حمام) که در کنار یکدیگر گردآمده و در میان محله استقرار دارند.	محل تقاطع راه‌های اصلی محله، دارا بودن بهترین دسترسی به راه‌ها و مراکز اصلی شهر.
شبکه راه‌های محله	تاروپود محله است و تا آخرین واحد مسکونی محله را دربر می‌گیرد. شامل گذرگاه‌های فرعی و کوچه‌های اصلی و فرعی و بن‌بست‌ها می‌باشد.	گذر اصلی محله و از میان محله عبور کرده و راه‌های محله‌ای را بسط می‌دهد.
فضاهای خصوصی محله	هستی‌ها و بن‌بست‌های محله را از فضاهای عمومی و پرتحرک شهر دور می‌کند و محل تردد افراد بیگانه نیست. فضاهای کوچک و مسقفی هستند که به خانه متصل می‌شوند.	در منتهی‌الیه خانه قرار داشته، امکان دید از درب کوچه به داخل نیست و محرومیت خانه محفوظ می‌ماند.

عملکرد	توضیحات	اجزای محله
معمولاً پنجره و درب خانه مسکونی وجود ندارد. فضای عمومی بوده و رعایت اصول محرمیت و دفاع ضروری بوده است.	محورهای ارتباطی در محله که در تقاطع آن‌ها فضاهای باز بزرگ‌تر نسبت به گذرها وجود دارد و مرکز محله شکل داده است.	راسته محله‌ها
متعلق به مذهب یا صنف خاصی بوده و به همان اسم نامیده می‌شد.	برخی محلات دارای چند محله کوچک‌تر بودند که اصطلاحاً زیر محله نامیده می‌شوند.	زیر محله

منبع: (صارمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸۴)

- به‌طور کلی در شکل‌گیری محله‌ها در شهرهای اسلامی چند ویژگی قابل ذکر است:
- شکل‌گیری اولیه محله بر اساس تقسیم‌بندی‌های نژادی، قومی، دینی یا خویشاوندی بود و اهالی محله به‌طور عموم با یکدیگر احساس همبستگی و به محله احساس تعلق می‌کردند.
 - هر محله، دارای گروهی از فضاها بود که به آن نوعی استقلال نسبت به محلات دیگر می‌داد. این فضا شامل همه فضاهای اصلی شهر در ابعادی کوچک‌تر می‌شدند؛ مثل بازار محلی، مغازه‌ها، مسجد، حمام، مدرسه و آب‌انبار.
 - محله در ساخت خود تأثیرپذیری از عوامل اقلیمی، اقتصادی و سیاسی را نشان می‌داد.
 - محله‌ها عموماً دارای یک ساختار سیاسی و مدیریتی بودند که در مجموعه ساختاری بزرگ‌تر قرار می‌گرفت (فکوهی، ۱۳۸۵: ۳۹۰)؛ رئیس محله، کدخدا یا کلانتر بود که در همکاری با سایر مناصب شهری مثل محتسب، عسس، داروغه و غیره و زیر قدرت رئیس یا حاکم شهر فعالیت می‌کرد.
 - محله‌ها به‌لحاظ حجم و عناصر تشکیل‌دهنده خود بسیار متفاوت بودند. مدلی از یک محله در شکل شماره ۵ نشان داده شده است.

شکل شماره ۵) مدلی از یک محله و همسایگی یا هم‌جواری



منبع: (شفقی، ۱۳۸۷: ۲۲۷)

مدارس

اصول اعتقادی اسلام بر دانش‌اندوزی، طلب علم، تفکر و اندیشه صحیح تأکید فراوان دارد (نظریان، ۱۳۸۸: ۲۷). در همین زمینه، یکی از نقش‌های مسجد، از همان ابتدا امر آموزش بود؛ اما در قرن‌های دوم و سوم هجری شمار مکتب‌ها و معلمان رو به فزونی نهاد. جنبه مذهبی مدارس از عوامل مهم تعیین‌کننده موقعیت آن‌ها در شهر بود. اغلب مدارس بزرگ اسلامی، در امتداد یا جوار بدنه بازار و راسته‌های اصلی شهر احداث می‌شدند. مدرسه، از تحولات دیگر مساجد است اما باید گفت در گذشته مسجد و مدرسه گاه به‌جای هم مورد استفاده قرار می‌گرفتند. ایجاد مدارس از قرن چهارم به بعد در ایران اهمیت یافت و حتی موقوفاتی نیز به آن‌ها اختصاص یافت. جنبه‌های مذهبی به‌عنوان خصوصیت برجسته آن‌ها بدان‌ها موقعیتی بااهمیت می‌بخشد. مدارس، علاوه بر کارکردهای مذهبی دارای کارکردهای سیاسی و اجتماعی بودند (میرآبادی و همکاران، ۱۳۹۲). در صدر اسلام، تدریس علوم مذهبی در مساجد انجام می‌شد. بنابراین، مساجد اولیه در حقیقت اولین مرکز آموزشی اسلامی بودند که در ایران و سایر بلاد اسلامی به‌طور گسترده‌ای رواج پیدا کردند. به‌تدریج با توسعه علوم اسلامی، فضای آموزشی از مساجد جدا گشت (وارثی، ۱۳۸۷: ۴۸۱). در

دوره‌های مختلف تاریخی، توجه خاصی به ساختن مدارس می‌شد، مانند مدارس نظامیه که در دوره سلجوقی احداث شدند. همچنین در دوره صفویه مدارس در اصفهان، مشهد و دیگر شهرهای ایران ساخته شد (نظریان، ۱۳۸۸: ۲۷).

شبکه ارتباطی

شبکه ارتباطی برحسب عوامل مختلف و نیازهای گوناگون شکل می‌پذیرند. در گذشته، احداث شبکه معابر در شهرهای اسلامی از اصول کلی زیر پیروی می‌کرد:

- راه‌های اصلی کاروان‌رو، پس از ورود به شهر تقریباً به‌طور مستقیم به بازار ختم می‌شد.

- استفاده از کوچه‌های پُر پیچ‌وخم در سطح کوی‌ها و برزنها به سبب ملاحظات دفاعی.

- احداث راه‌های زیرزمینی یا مخفی برای گریز در مواقع بحرانی.

- احداث برخی گذرگاه‌های مسقف در شهرهای مناطق گرمسیری یا پرباران.

- بسنده کردن به کوچه‌های تنگ و باریک به‌عنوان شریان‌های گذرگاهی در سطح

محل و پرهیز از احداث خیابان‌های وسیع به علت ملاحظات دفاعی.

- عرض راه‌های شبکه، ارتباط غیرمستقیم با مرتبه و میزان خلوت‌گزینی افراد داشته است.

باریک‌ترین معابر یا بن‌بست‌ها منحصراً توسط ساکنان منازل واقع در آن‌ها یا ملاقات‌کنندگان‌شان مورد استفاده قرار می‌گرفت. این‌گونه معابر دارایی و ملک مشترک ساکنان محلی به‌شمار می‌رفتند (میرآبادی و همکاران، ۱۳۹۲). کوچه‌ها، اگر چه به‌عنوان دارایی و ملک شخصی تلقی نمی‌شدند، اما دقیقاً نیز ملک عمومی نبودند و تنها توسط ساکنان محلات مورد استفاده قرار می‌گرفتند. کوچه‌های باریک به‌ویژه بن‌بست‌ها به‌وسیله ساکنان محل و برای کلیه فعالیت‌ها مورد استفاده بودند. این وضعیت احساس حریم خصوصی را در ساکنان تقویت می‌نمود؛ بنابراین، یک فرد غریبه به‌سرعت در این فضاها شناخته می‌شد. خیابان‌های اصلی یا گذرها از کوچه‌ها عریض‌تر بوده و موارد استفاده بیشتری داشتند. آن‌ها مراکز محله‌ای را به یکدیگر وصل نموده و همچنین به بازار اتصال می‌یافتند.

میدان

مطالعه شهر از دوران کهن، به‌ویژه شهرهای ایران بعد از اسلام تا زمانی که شهرسازی از لحاظ ورود مفاهیم تازه، غریبه و گسستن از ارزش‌های گذشته خود قرار نگرفته است، گویای آن است که همواره میدان نیز همچون دیگر اندام‌های مؤثر و کارکردی، در حیات جاری شهر حضوری مؤثر دارد (ضرابی و نژادطیپی، ۱۳۸۹: ۲۲). به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت که در شهرهای دوره اسلامی، نقش و عملکرد میدان از قبل مهم‌تر می‌شود و می‌توان از بازار و میدان به‌عنوان عناصر اصلی شهر اسلامی یاد کرد؛ به‌طوری که میدان از دوره سلجوقیان به بعد شروع به تثبیت خود کرد و در دوره صفویه به مفاهیم عمیق و کارآمدی در معماری و شهرسازی رسیده و در دوران قاجار به نهایت نقش خود دست‌یافته است.

کاروان‌سراها

کاروان‌سرا، یکی دیگر از عناصر عمده شهرهای اسلامی است و بینش اسلامی در شکل ظاهری کاروان‌سراها اثر زیادی نهاده است. در مجموعه بناهای شهرهای اسلامی کاروان‌سرا در رابطه با بافت مرکزی شهر و شریان‌های ارتباطی شهر و روستا فضای گسترده‌ای را اشغال می‌کند. موقعیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در ایران از علل ازدیاد و گسترش این بناها بوده است (وارثی، ۱۳۸۷: ۴۸۲). کاروان‌سرا در بطن اقتصادی شهر در محدوده بازار و نزدیک به دروازه‌های شهر قرار می‌گرفت (نظریان، ۱۳۸۸: ۲۸). در این دوره، معماری کاروان‌سراها از دیدگاه سبک و تنوع نقشه‌ها به اوج شکوفائی رسیده و در مسیر شهرها و روستا و معابر کوهستانی و نواحی کویری، کاروان‌سرا و رباط‌های برون‌شهری و در مراکز اقتصادی و راسته‌بازارها، کاروان‌سرا و رباط‌های برون‌شهری با ویژگی‌های متفاوت کاربردی احداث شدند (www.icas.ir).

نتیجه‌گیری

ساختار کالبدی فضایی شهرهای - ایرانی اسلامی یکی از ویژگی‌های مهم این شهرها به‌شمار می‌رود که در طول تاریخ شکل گرفته و تکامل یافته است. شهر اسلامی با مرکزیت مسجد شکل می‌گیرد، با محوریت بازار توسعه می‌یابد و با شکل‌گیری محله‌ها نمایان

می‌شود. شهر اسلامی، تجلی‌گاه فعالیت‌های سیاسی - حکومتی، نظامی، مذهبی و اقتصادی بوده است. بررسی ساختار و سازمان فضایی شهرهای کهن ایرانی - اسلامی در موارد متعدد حاکی از وجود نظامی استوار در سازمان فضایی و عملکردی این شهرهاست. اغلب شهرهای ایران دارای استخوان‌بندی مشخص از عناصر و عملکردهای اصلی شهری مانند: بازار، مسجد جامع، مدارس و مانند آن بوده‌اند. شهرهای ایرانی - اسلامی دارای ویژگی‌های تکامل‌یافته در طی قرن‌های متمادی بوده‌اند. در این شهرها، بافت‌های قدیمی به همراه عناصر و فضاهای درون‌شهری علاوه بر شکل فیزیکی و خصوصیات کالبدی، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و تاریخی ویژه‌ای را داشتند. به‌طور کلی می‌توان عوامل مؤثر بر ساختار کالبدی شهرهای اسلامی را به‌صورت زیر برشمرد: عوامل مذهبی، عوامل اقلیمی، عوامل اقتصادی، عوامل ارتباطی، عوامل دولتی، عوامل بهداشتی و عامل وقف. مطالعات صورت‌گرفته حاکی از آن است که نحوه شکل‌گیری و اصول طراحی کالبدی شهر ایرانی - اسلامی به‌لحاظ تاریخی عمدتاً به ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی اسلام که ریشه در ماهیت احکام اسلامی داشته است، بستگی دارد؛ به‌طوری که جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان و از جمله ساخت کالبدی شهرها و سکونت‌گاه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. باید گفت که شهر اسلامی برخلاف تعریف برخی پژوهش‌گران که هویت شهر اسلامی را تنها در دارابودن یک‌سری عناصر کالبدی مثل مسجد و بازار و حمام می‌بینند و شهر اسلامی را محدود به شهرهای حکومت‌های اسلامی از چهارده قرن پیش تاکنون می‌دانند؛ شهری برخاسته از اصولی کارکردی و عملکردی است. در واقع، کالبد شهر اسلامی به‌ظاهر فیزیکی است، اما در حقیقت بر اساس اصول فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاصی ساخته می‌شود که این اصول نقش مهمی در تربیت و پرورش ساکنان، تنظیم رابطه انسان‌ها با یکدیگر و سعادت‌مندی آن‌ها دارد.

کتابنامه

۱. اعتضادی، لادن (۱۳۷۷)، «نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان‌نشین»، ماهنامه مسجد، ش ۴۴.
۲. امیدوار، کمال و محمدرضا هاتفی (۱۳۹۱)، «توسعه فیزیکی شهرهای اسلامی و تعیین جهت‌های توسعه (مطالعه موردی: شهر اردکان یزد)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۷.
۳. امیری، حکمت و معصومه قنبری (۱۳۹۳)، شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر متون اسلامی، کانون ملی معماری ایران، همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری، تبریز.
۴. امینی، رقیه و اصغر منتظرالقائم (۱۳۸۷)، «ارزیابی عملکرد مسجد در قرون نخستین اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۵. ایراندوست، کیومرث و آرمان بهمنی اورمانی (۱۳۹۰)، «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۵.
۶. برقی، حمید و احمد تقدیسی (۱۳۸۷)، «بررسی چگونگی شکل‌گیری شهر اسلامی و ویژگی‌های آن»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۷. پاپلی‌یزدی، محمدحسین و حسین رجبی‌سناجردی (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۸. پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، www.icas.ir.
۹. پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۹۰)، «تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۶.
۱۰. پوراحمد، احمد و داریوش یزدانی (۱۳۸۴)، «تأثیر مدرنیسم بر توسعه کالبدی شهرهای اسلامی، نمونه موردی: شهر تبریز»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۶۰.
۱۱. توسلی، محمود (۱۳۸۲)، «اصل ارتباط در طراحی شهری»، فصلنامه هنرهای زیبا، ش ۱۴.

۱۲. خدایی، زهرا و علی اکبر تقوایی (۱۳۹۰)، «شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال دوم، ش ۵.
۱۳. دانش، جابر (۱۳۸۹)، «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۱.
۱۴. رضایی، محمود (۱۳۹۲)، «ارزش‌های جاوید و جهان‌گستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فرا کالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۳: ۱۶۹-۱۹۰.
۱۵. رفیقدوست، رضا و پویان شهبان (۱۳۸۷)، «درآمدی بر شناخت وجوه زیبایی در قرآن با تأکید بر تجلی جمال توحیدی در صفات شهر اسلامی»، نشریه پژوهش دینی، ش ۱۶.
۱۶. ریمون، آندره (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر شهرهای بزرگ عربی اسلامی، ترجمه: حسین سلطان‌زاده، تهران: ناشر مترجم.
۱۷. سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۷)، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۸. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. سلطانی‌فرد، هادی و همکاران (۱۳۹۲)، «تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی - اسلامی»، مطالعه موردی: شهر سبزوار، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۱۴.
۲۰. شفقی، سیروس (۱۳۸۰)، «نقش بازار در ساختار فضایی شهر اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۵۲.
۲۱. _____ (۱۳۸۷)، «پیش‌درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۲۲. شکویی، حسین (۱۳۸۰)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۲۳. صارمی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۲)، «تحلیل تطبیقی ساختار محله‌ای، شهر در دوره اسلامی در ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی»، اصفهان: ویژه‌نامه دومین همایش شهر اسلامی.

۲۴. ضرابی، اصغر و علی نژادطیپی (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر عناصر و کاربری‌های شهری در شهرهای اسلامی»، کتاب ماه هنر، ش ۱۴۳.
۲۵. طیبیان، منوچهر و همکاران (۱۳۹۰)، «بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی»، فصلنامه آرمانشهر، ش ۷.
۲۶. غنی‌زاده، مسعود (۱۳۸۵)، «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی»، مجله راهبرد توسعه، ش ۷.
۲۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۵)، انسان‌شناسی شهری، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
۲۸. قاسمی، احمدرضا و ساناز قربانی (۱۳۹۳)، «ارزیابی تأثیرات اجتماعی مرمت و بازسازی گلدسته‌های مساجد منطقه ۹ شهرداری تهران»، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۶، ش ۲.
۲۹. کلاتری خلیل‌آباد، حسین و رضا ملاحسینی اردکانی (۱۳۹۱)، «تفاوت الگوی شهرسازی در میزان محله‌گرایی نواحی فرهنگی و جغرافیایی مشابه (مطالعه تطبیقی: شهرهای اردکان و میبد)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۷.
۳۰. کمیلی، محمد و زهرا خدایی (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی عناصر هویت‌بخش به شهر اسلامی؛ نمونه مورد مطالعه: شهر ری، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی»، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۳۱. محمدی، جمال و رعنا شیخ‌بیگلو (۱۳۸۷)، کارآیی شهر اسلامی در مواجهه با چالش‌های شهری امروز، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۳۲. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۹۳)، بررسی کارکردهای چندگانه مدرن مساجد تهران امروز (مطالعه موردی مسجد جامع شهرک غرب)، گزارش شماره ۱۸۹.
۳۳. مظاهری، علی (۱۳۴۸)، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه: مرتضی راوندی، تهران: نشر سپهر و فرانکلین.
۳۴. منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۷)، «جایگاه مسجد و نقش آن در شهر اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۳۵. موحد، علی و همکاران (۱۳۹۱)، «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، ش ۵.

۳۶. موحد، علی (۱۳۸۵)، احیای بازارهای تاریخی، هویت‌بخشی به فضای کالبدی شهر: مطالعه موردی بازار شهر زواره، همایش علمی منطقه‌ای معماری کویر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان.
۳۷. موسوی، سیروس (۱۳۸۸)، «اختصاصات کالبدی و اجتماعی شهر اسلامی»، ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراها، ش ۳۸.
۳۸. میرآبادی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۲)، «تحلیل فضایی-کالبدی و شناخت عناصر هویت‌بخش در شهرهای اسلامی»، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر، تبریز.
۳۹. میرمحمدی، حمیدرضا (۱۳۷۵)، «سیما و بافت شهرهای اسلامی»، مجله مشکوه، ش ۵۳.
۴۰. نظریان، اصغر (۱۳۸۸)، جغرافیا شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴۱. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۲)، «شهر اسلامی و روش بهره‌گیری از متون مقدس»، کتاب ماه هنر، ش ۱۷۷.
۴۲. شهرداری مشهد (۱۳۸۵)، در جست‌وجوی هویت شهری، رویکردی نو به مسائل شهری، اولین همایش ملی مهندسی مسیله‌ها (کال‌ها)، مشهد: (www.civilica.com).
۴۳. وارثی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «ویژگی‌های شهر اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۴۴. هیلن براند، رابرت (۱۳۸۰)، معماری اسلامی، ترجمه: باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه.
۴۵. یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۸۵)، «الگوهای گسترش کالبدی شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۲.
۴۶. _____ (۱۳۸۹)، «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران»، فصلنامه تاریخ ایران، ش ۶۴/۵.
47. Aazam, Z (2007), *The Social Logic of the Mosque: a study in the relationships between building typology and urban morphology*, Proceedings, 6th International Space Syntax Symposium, Istanbul, Turkey.
48. Karimi, K (1997), *The Spatial Logic Organic in Iran and United Kingdom*, Space Syntax First International Symposium, Proceeding Volume I. Comparative Cities, London.